

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۲۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم
تلفن: ۴۴۵۲۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۶ بهمن ۱۴۰۱ • ۴ رجب ۱۴۴۴ • ۲۶ ژانویه ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۴۸۲ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۷ • اذان مغرب ۱۷:۴۴
اذان صبح فردا ۵:۴۲ • طلوع آفتاب ۷:۰۸

شرق

دیالوگ روز

الیس در سرزمین عجایب - تیم برتون - ۲۰۱۰

کلاهدوز دیوانه (جانی دپ): الیس تونی نمی‌تونی جووری زندگی کنی که همه رو راضی نگه داری. انتخاب‌های تو مال خودت هستند؛

جون زمانی که به بیرون قدم می‌ذاری و موقع مواجه‌شدن با مشکل تو تنهایی!

خاطراتی که در دسرساز شد



ابراهیم ایوبی

وکیل دادگستری

در افکار عمومی قضات و وکلای دادگستری به عنوان افراد جدی، خشک و رسمی شناخته می‌شوند. هیبت قاضی معمولاً به شکل مردی است (البته در سال‌های اخیر زنان هم به عنوان قاضی دادگستری و بیشتر به عنوان دادیار یا بازپرس در دادسرا، قاضی مشاور در دادگاه خانواده و یا بخش‌هایی که جنبه اداری پررنگ‌تری دارد تا قضائی؛ مانند معاونت ارجاع یا اجرای مجتمع‌های قضائی فعالیت دارند) با کت و شلوار که بدون هیچ احساسی و با نگاهی از بالا به پایین از پشت میز قضاوت بین دو طرف اختلاف داوری می‌کند. بماند که در اغلب فیلم‌ها و سریال‌های (ایرانی یا غیرایرانی) سیمای وکیل دادگستری هم چندان مثبت نیست؛ نمونه شاخصی آن فیلم «وکیل مدافع شیطان» ساخته تیلور هاکفورد و بر اساس رمانی به نوشته اندرو نیدرمن است. خواه ناخواه این تصاویر بر ذهنیت منفی مردم نسبت به وکلای دادگستری مؤثر می‌افتند.

چند سال پیش هنگام قدم‌زدن در خیابان انقلاب، پشت وپترین یکی از کتاب‌فروشی‌ها،

vahdatiha

charityvahdat.ir

این_خانه_اگر_سبز_است_امید_شما_ید

مرکز خیریه نهداری از دختران معلول ذهنی

وحدت

حرفه‌آموزی و شبانه روزی

آدرس: پاسداران، خیابان شهید افشاری (ساقدوش)، کوچه وحدت، پلاک ۴

حساب تجارت: ۳ ۶ ۹ ۲ ۶ ۳ ۱ ۷

کارت تجارت: ۵۸۵۹۸۳۷۰۰۰۵۲۳۴۸۶

تلفن: ۲۲۹۴۲۱۳۲-۲۲۹۴۷۰۱۴ (۰۲۱)

شماره ثبت ۳۹۱۱



• در چهارمین روز از چهل‌ویکمین جشنواره تئاتر فجر ۱۳ نمایش در بخش‌های صحنه‌ای و خیابانی برای علاقه‌مندان اجرا شد. این نمایش‌ها هرروز در بهنه رودکی، مجموعه تئاتر شهر و تماشاخانه‌های سنگلج، ایرانشهر و تئاتر مولوی به روی صحنه می‌رود. عکس: زهرا سعادت‌راد / باشگاه خبرنگاران جوان

شاهنامه‌خوانی

آخرین شکست افراسیاب و آغاز سرگشتگی



مهدی افشار

شاهنامه‌پژوه

خسرو را سر آرام گرفتن نبود تا آتش خشم برخاسته از خون به‌ستم‌ریخته پدر و آوارگی مادر را فروبشاندن و افراسیاب را از پای درآورد که همه رنج‌هایش از او بود. خسرو پس از آنکه گنگ‌دژ را که افراسیاب با آسودگی در آنجا پناه گرفته بود، درهم کوبید، شاه توران به ناگزیر با اندک یارانش بگریخت و در نهانگاه خود از جبینان یاری خواست. خوارمایه‌ای از تورانیان به‌جای‌مانده در نبرد با خسرو، همراه با سپاهی از چین و ختن بر ایرانیان تاخته، به نبردی خونین دست‌یابزند که فرجام آن جنگ با فرارسیدن تاریکی شب آشکار گردید و خسرو می‌دانست که دور نباشد افراسیاب دست به شیبخون زند، به همین روی فرمان داد پیرامون سپاه را کنده کنند و نیز از آنان خواست آتشی نیرفروزد و خروشی برنیاورند که دشمن پندارد سپاه ایران همه خفته‌اند و چابک‌ترین نیروها را به رستم و بهرهای را نیز به توس سپهدار سپرد. رستم، سپاه خویش به هامون کشید و توس به سوی کوه روانه گشت. خسرو از پیشتازان نیز خواست آتشی برنیرفروزد تا اگر افراسیاب شاهنکام دست به شیبخون زند، از سه سوی گرفتار آید. همان‌گونه که خسرو پیش‌بینی کرده بود، افراسیاب با سپاه خاقان میان بریستند و بر آن شدند بر سپاه ایران شیبخون زنند. افراسیاب، فرماندهان سپاه چین را بخواند و با آنان درباره نواده خویش این‌گونه سخن گفت: «ببینید این شوم‌پسر با نیای خویش چه کرده است! اکنون که ایرانیان خفته‌اند باید بتازیم و اگر بر آنان دست‌یابیم، دیگر همگان در آرامش خواهند زیست و گاه آن رسیده که بیم از دل برون کرده، کار آنان را یکسره کنیم».

افراسیاب کارآگاهانی را برای وارسی سپاه ایران کسبل داشت و آنان بازگشتند با این سخن که ایرانیان همه خفته‌اند و هیچ نگهبانی نیز نگمارده‌اند، گویی همه مرده‌اند و چون افراسیاب این سخن بشنید دلش روشنای گرفت.

ز لشکر کزین کرد پنجه هزار/ جهان‌دیده مردان خنجرگذار

ز کارآگهان آنک بد رهنمای/ بیامد به نزدیک پرده‌سرای

چون آن دید برگشت و آمد دوان/ کزیشان کسی نیست روشن‌روان

همه خفتگان سر به سر مرده‌اند/ وگر نه همه روز می خورده‌اند

با این آگاهی سپاه توران شتابان تاختن گرفتند و چون به سپاه ایران نزدیک شدند، از پرده‌سرای کرنا‌ای خروشین گرفت؛ گروهی از پیشتازان سپاه توران بر کنده افتادند، گروهی دیگر از زخم سپاه رستم در خود پیچیدند و گروهی نیز بر برابر سپاه توس از اسب فروکشیده شدند و خسرو خود با درفش کاپوایی پیشاپیش سپاه آماده نبرد بود. نبردی سهمگین درگرفت و از آنان از هر صد نفر تنها ده تن به جای ماند و سپاه به‌جای‌مانده به ناگزیر برای جان خویش زوئین و خنجر به کف با سپاه ایران روبراوری و آن روزمگاه به کردار دریا شد و در آسمان نه خورشید تابنده بود و نه ماه روشنی داشت. به ناگاه تندبادی برخاست و بر سپاه توران وزیدن گرفت و از سرهای آنان کلاهخودها را دور گرداند و خسرو چون آن تن‌باد بدید، دانست بخت به ایرانیان لبخند زده است.

رستم و گیو و گودرز و توس از پشت سپاه افراسیاب سر برآوردند. در آسمان ابری پدیدار شد که باران آن تیر و تیغ بود، کشته‌شدگان سپاه دشمن کوه کوه به زمین افتاده، از خون ایشان زمین به ستوه آمده بود و هوا چون چادری نیلگون شد و زمین دریایی از خون. افراسیاب از آن دوردست درفش بنفش رستم را بدید، درفش خویش را پنهان کرد و سپاه پیرامون‌گرفته چینی را به جای گذاشت و با هزار تن از یاران و خویشان از بیراه، راه بیابان در پیش گرفت و با رنج بسیار از آن کشتارگاه جان به در برد.

خسرو در لشکر چینیان، در جست‌وجوی نیای خویش برآمد، او را ندید، به هر سوی نگریست، نشانی از شاه توران نیافت و درفش سپاه افراسیاب را نیز در سراسر سپاه ندید. سپاه درهم‌شکسته چینیان از شاه زینهار خواستند و تیغ و تیر خویش را بر زمین گذاشتند. خسرو فرمان داد آنان را زینهار دهند. آن گاه با دمیدن روز آسوده‌دل به سرآورده خویش رفت و فرمان داد برای این پیروزی جشنی برپا دارند و تا فرارسیدن شبی دیگر، سرخوش از این پیروزی به شادی و نوشیدن نشست و چون تاریکی شب فرارسید، سر و تن بنشست و به ستایش یزدان پاک پرداخت برای گردش روزگاری که به او لبخند زده بود.

فروان بمالید بر خاک، روی/ به رخ برنهاد از دو دیده دو جوی

از آنجا بیامد سوی تاج و تخت/ خرامان و شادان دل و نیکیخت

آن‌گاه فرمان داد کشته‌شدگان ایرانی را از آوزردگاه بگیرند و سیاسمندانه دخمه کنند و کشته‌شدگان چینی و تورانی را خوار بگذاشت و بگذشت.

چون آگاهی این نبرد به ماجپن و چین رسید، فغفور و خاقان چین از درد بر خود پیچیدند و از یاری‌دادن به افراسیاب پشیمان گشتند. فغفور گفت که افراسیاب زین پس بزرگی را به خواب نیز نخواهد دید و به ناگزیر نمایندگان‌ای از سوی چینیان با پیشکش‌های گران‌بها و گوهرهای سوده‌نفسه به پوشش‌خواهی نزد خسرو رفتند و شاه پیروز ایران آنان را بناوخت و پیشکش‌ها را پذیرا شد و از آنان خواست دیگر افراسیاب را نزد خود نپذیرند و او را یاری ندهند. فرستادگان پیام خسرو را به فغفور چین رساندند و چون فغفور پیام خسرو را دریافت، کسسی را نزد افراسیاب روانه داشت با این پیام که از چین و ختن دور بماند.

و به راستی هر آن کس که راه ستم در پیش گیرد و با بداندیشی رفتار کند، بد آیدش، هر آن کس که او کم کند راه خویش/ بد آید بداندیش را کار پیش.

محل ماجراها را نقل کرده است. پس از چاپ اول کتاب توسط نشر ششمه با گزارش مراجع نظارتی پرونده‌ای در این خصوص تشکیل می‌شود و در نهایت دادگاه عالی انتظامی قضات نویسنده را بابت نگارش و انتشار خاطرات طنز و تشخیصی این اقدام به عنوان تخلف «خلاف شأن قضائی»، وی را به شش ماه سراسر از حقوق محروم می‌کند. تویسرکانی در روند رسیدگی در دادگاه عالی انتظامی لایحه‌ای در دفاع از خود و دفاع از حق نوشتن و انتشار کتاب می‌نویسد که همان نیز به دردسر تازه‌ای تبدیل و دوباره محاکمه می‌شود. این بار او به انفصال موقت یک‌ماهه از خدمات قضائی محکوم می‌شود. اما در دوران یک‌ماهه انفصال نیز بی‌کار ننشسته در متنی به نام «انفصال‌نامه» خاطرات دیگری از خود و عدلیه به طنز نوشته که این بار در فضای مجازی منتشر شده است. در بخشی از رای دادگاه تجدیدنظر انتظامی قضات در مورد انتشار کتاب که به پیوسته مطلب «انفصال‌نامه» منتشر شده، آمده است: «بیان خاطرات توسط آقای امین تویسرکانی بازپرس دادرسی عمومی و انقلاب تهران به صورت نقد و طنز در کتابچه و انتشار آن گرچه حاوی مطالب سخیف نیست اما نزاکت در نگارش رعایت نگردیده‌کما اینکه در لایحه تجدیدنظرخواهی نیز به دور از نزاکت مطالبی را نوشته است علیهذا با اعلام اینکه عمل مشارالیه با بند ۶ ماده ۱۵ قانون نظارت بر رفتار قضات انطباق دارد از این رو با اصلاح مجازات انتظامی از انفصال موقت به کسر یک‌هشتم حقوق برای مدت شش ماه، رای تجدیدنظرخواسته تأیید می‌گردد». به عنوان وکیل دادگستری که بیش از ۱۷ سال است روزانه با دادگستری سروکار دارم، باید گفت در متن کتاب کمترین تعریضی به دستگاه قضا نشده و بیان خاطراتی این‌چنینی به دوری از نگاه کلیشه‌ای مرسوم، به نزدیکی بیشتر جامعه قضات و مردم کمک می‌کند. انتظار می‌رود دستگاه قضا با توجه به پذیرش آزادی بیان در اصل بیست‌وچهارم قانون اساسی، با مدارای بیشتری با قضات جوان و نوجو برخورد کند.

پیشخوان

شماره زمستان فصلنامه دریند منتشر شد



دومین شماره فصلنامه «دریند» زمستان ۱۴۰۱،

با پرونده ویژه در مورد «عباس‌میرزا و آذربایجان» و با مقالاتی از غلامحسین زرگری‌نژاد، صادق حیدری‌نیا و علیرضا دولتشاهی منتشر شد.

داود دشتبانی، صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول

دریند در سرمقاله خود با عنوان «سسر به راه مملکت باید نهاد به نام نه به ننگ» آورده است: «میهن‌دوستی در دنیای کنونی واقعی‌ترین و محوری‌ترین ارزش جهانشمول و قابل‌دفاع است. دولت-ملت‌ها در دنیای کنونی تنها ارزش باقی‌مانده واقعی هستند که مانع از بروز تعارض

همه‌گیر و بی‌نظمی و آشوب در جهان می‌شوند و هرگونه تزلزل در نظم کنونی مبتنی بر دولت-ملت بدل به بگ کابوس جهانی خواهد شد». او ادامه داده است: «ایران دوستی بیش و پیش از آنکه راه‌حلی سیاسی و سیاستی باشد چارچوبی تمدنی و فرهنگی است. اکنون وظیفه نیروهای ایران‌دوست دوچندان شده و بایستی با هوشیاری و آمادگی بیشتری روند امور را پی بگیرند. این تلاش باید با درک و شناخت و ملهم از فرهنگ و تمدن ایرانی باشد. برخلاف قول مشهوری که این روزها زیانزد شده است به ننگ و به نامردی نمی‌توان از ایرانیت دفاع کرد. ایرانیت هرگز نمی‌تواند با ننگ و نامردی همراه شود». پرونده ویژه این شماره از دریند شامل مقالات «عباس‌میرزا: نخستین معمار بنای نظام جدید در ایران معاصر» از دکتر غلامحسین زرگری‌نژاد، استاد بازنشسته دانشگاه تهران، «عباس‌میرزا و آذربایجان» به قلم صادق حیدری‌نیا، «مکاتیب تاریخی: یک نامه تاریخی از عباس‌میرزا نایب‌السلطنه» به قلم محمدامین راجی‌خوبی، «وصیت‌نامه منسوب به عباس‌میرزا نایب‌السلطنه» از جهانگیر قائم‌مقامی و سندی از کوش عباس‌میرزا برای نوسازی آموزش در ایران از سمیه حمیدی است.

«سسخ‌های مهم تا هنوز گمان‌از علی منشی‌تبریزی» از علیرضا دولتشاهی نیز به معرفی یک رساله ناشناخته سیاسی از دوره قاجار پرداخته است. «پایزه گزارش از کتیبه تندیس گرووش» نوشته جعفر وثوقی و «ایران ما و مطالعات ملت‌شناسی» از دکتر حمیدرضا جلالی‌پور سایر مقالات این شماره از دریند هستند.

«دین مردمان ایرانی تبار قفقاز شمالی» به قلم حامد کاظم‌زاده ایرانشهر به معرفی آیین‌های مردمان این منطقه پرداخته و «تاریخ‌سازی در جمهوری آذربایجان» به قلم سیدمهدی حسینی‌تقی‌آباد نیز مقاله‌ای است که به تاریخ‌نگاری دولتی در این همسایه شمالی می‌پردازد. «دریند» فصلنامه فرهنگی و تاریخی با تمرکز بر حوزه تمدنی و فرهنگی ایران است که به مدیرمسئولی و صاحب‌امتیازی «داود دشتبانی» منتشر می‌شود. پیش از این دریند به شکل دوماهنامه در سال‌های ۹۶ و ۹۷ منتشر شده بود و دوره جدید مجله دریند با همان سیاق به شکل فصلنامه منتشر خواهد شد. شماره نخست دوماهنامه دریند به بررسی زندگی و اندیشه‌های حسین کاظم‌زاده ایرانشهر اندیشمند و فعال مطبوعاتی دوران مشروطه اختصاص داشت که با استقبال اندیشمندان و مخاطبان روبه‌رو شد. شماره دوم این نشریه به زندگی و آثار استاد محمدحسین شهریار پرداخت و پرده از تحریف آثار و اشعار این شاعر بزرگ معاصر توسط جریانات قوم‌گرا برداشت و شماره سوم دوماهنامه دریند با عنوان مسائل ایران به بررسی تحولات حوزه هویت ملی اختصاص داشت و در شماره چهارم نیز پرونده ویژه‌ای درباره آثار و اندیشه‌های دکتر فرهنگ رجایی، استاد علوم سیاسی دانشگاه اوتاوا منتشر کرد که با مقالاتی از استادان و دانشجویان دکتری علوم سیاسی دانشگاه تهران همراه بود و در مراسمی با حضور خود فرهنگ رجایی در خانه اندیشمندان علوم انسانی رونمایی شد. فصلنامه دریند در شماره اول دوره جدید خود به موضوع جهان ایرانی از پنجشیر تا شوشی پرداخت و تحولات افغانستان و قفقاز را بررسی کرد.

علاقه‌مندان برای دریافت این نشریه می‌توانند دریند را از کتابفروشی‌های معتبر بخوانند یا به شماره ۰۲۹۸۷۱-۰۲۰۹۱۲۰۲ پیام بدهند. گفتنی است هزینه پست رایگان و برعهده فصلنامه دریند است.